

بررسی رابطه بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره شهر در سال ۹۷ - ۹۸

زینب جعفری^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره شهر در سال ۹۷ - ۹۸ تحصیلی انجام گرفت. این مطالعه از نوع تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی بود که جامعه آماری پژوهش متشکل از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره شهر بودند که از این میان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۲۴۲ دانشجو به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و سپس ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های ادراک از خدا و پرسشنامه رشد اخلاقی در میان آنان توزیع گردید. داده‌های به‌دست‌آمده پژوهش از طریق آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون در محیط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از معنی‌دار بودن رابطه بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی در میان دانشجویان دانشگاه بود به این معنی دانشجویانی که ادراک بهتری از خدا دارند از رشد اخلاقی بهتری برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: ادراک از خدا، رشد اخلاقی، دانشجویان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام،

مقدمه و بیان مسئله

دوره‌ی دانشجویی از نظر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی یکی از حساس‌ترین، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوران‌های زندگی انسان‌ها می‌باشد اگر دانشجویان این دوره را با موفقیت سپری نمایند، آینده‌ای موفق‌تر و سالم‌تر خواهد داشت و به‌عکس در صورت کم‌توجهی به این دوران بحران‌های موجود خسارت عظیمی بر وی، خانواده و جامعه وارد خواهد آمد (فیروزبخت و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۳). از نظر روانشناسان این قوانین بر سه جنبه اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری هستند که تبیین آن‌ها و چگونگی روابطشان با یکدیگر و تأثیری که در فرایند درونی‌سازی دارند، محور بحث‌های شناختی است. این تعریف با اینکه تا اندازه‌ای ماهیت رشد اخلاقی را روشن می‌کند، ویژگی‌های مشخص‌کننده امتیازبخش آن را در میان بخش‌های دیگر چندان روشن نمی‌کند. برای روشن شدن معنای دقیق رشد اخلاقی چند نکته را باید مورد توجه قرار داد: ۱- اختیار و عمد در کارهای اخلاقی، ۲- ارتباط با حالات روانی و کمال درونی. در بسیاری از جوامع یکی از وظایف فرهنگی آن‌ها آشنا سازی کودک با قوانین اخلاقی و کردار خوب و بد است. از سوی دیگر رفتار اخلاقی افزون بر توانایی استدلال در ارتباط با معماهای اخلاقی، به عوامل متعدد دیگری نیز بستگی دارد. دو عامل مهم در این زمینه عبارت‌اند از: توانایی توجه به پیامدهای درازمدت اعمال خود (به‌جای توجه به پاداش‌های فوری) و توانایی‌های کنترل رفتار خود (فیروزبخت و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

از سویی یکی از عواملی که بر رابطه افراد با خدا تأثیر می‌گذارد تصویری است که از خداوند دارند. پرورش جنبه‌های معنوی بسیار ارزشمند است و هر چه انسان حضور خداوند را بیشتر حس کند، نگرانی و اضطراب را کمتر به خود راه می‌دهد و بالطبع کمتر در معرض بیماری‌های جسمی - روانی قرار می‌گیرد (زیلو و زندن، ۱۳۸۳: ۲۶). قلب سلیم و روان سالم، تنها با اعتقاد و باور به خدای متعال و اطاعت از تکالیف دینی در برابر عظمت مطلقه او به‌دست می‌آید و مفهوم ارتباط با خالق هستی می‌تواند احساس سعادت و خوشبختی را در انسان به‌وجود آورد و ادراک از خدا یک پدیده چندبعدی و یا چند متغیری است که تحت حیطه وسیع‌تری به نام دین قرار دارد (لی و ارلی، ۲۰۱۰: ۲۶۵).

روانشناسان انگیزه‌های اصلی انسان از ارائه اسناد مذهبی را یافتن معنا، کنترل و حرمت خود می‌داند. مذهب یک حس کنترل تفسیری نیز ارائه می‌دهد که موجب افزایش سلامت روانی انسان می‌شود. گسترش تئوری‌ها درباره ادراک از خدا با فریود آغاز شد و این اواخر با کارهای آناماریا ریزواتو ادامه یافت. او ادراک از خدا و مفهوم خدا را از هم تفکیک کرد. به‌نظر او ادراک از خدا به‌عنوان شناخت هیجانی اشخاصی از خدا است و مفهوم خدا براساس ابزارهای شناختی حاصل می‌شود (مارک و فولکراد، ۲۰۱۲: ۹۲).

تصویری که از خدا در افراد می‌تواند شکل بگیرد به تصور مثبت و منفی تقسیم می‌شود و در تصور مثبت از خدا، خدای مهربان، حمایتگر، راهنما و ... تصور می‌شود که می‌تواند نقش آرامش‌دهی داشته

باشد و در تصور منفی از خدا، خدا با اصطلاحات منطقی نظیر طرد کننده، تنبیه کننده، نامهربان و ... تصور می شود که باعث می شود افراد نومیدی، تنفر و خلق منفی را تجربه کنند (گرنوی و میلن، ۲۰۱۴: ۱۷۵). باتوجه به مطالب گفته شده اهمیت رشد اخلاقی و ادراک از خدا آشکار می گردد و از این رو بدیهی است که رشد اخلاقی با قضاوت اخلاقی همراه است و شاید بتوان یکی از مهم ترین دلایلی که باعث عدم رشد اخلاقی در نوجوانان می گردد ناشی از فقدان ادراک از خدا در آن هاست. در این تحقیق که به بررسی رابطه ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر پرداخته می شود برآنیم تا به واسطه آن نقش ادراک از خدا و اخلاق و قضاوت های اخلاقی را روشن نماییم.

پیشینه

پیشینه نظری

مفهوم خدا تحول و شکل گیری دین داری شخصی در افراد را تعیین می کند. در طول دهه گذشته بیش از هر مفهوم مذهبی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است (ایسیا، ۲۰۰۷: ۱۲۵). ادراک از خدا (تصور از خدا) یک مدل کارکردی درون روانی است که فرد خدا را بدان گونه و در قالب متصور می شود. ادراک از خدا نه فقط کل سازه روانی را نشان می دهد، درجه رشد یافتگی استدلال اخلاقی و بلوغ روانی در نگاهی ژرف تر تمامیت شخصیت فرد باشد در حالی که افکار و اندیشه های افراد در مورد خدا که مستقیماً از آموزه های دینی نشأت می گیرد و بیشتر با ادبیات و سنن دینی منتقل می شوند، اغلب به راحتی توسط مصاحبه قابل دست یابی است اما دست یابی به سطح تصور و تصویر افراد از خدا یا همان ادراک از خدا کاری دشوار است (دوباش، ۱۹۷۸: ۱۵۲).

ادراک از خدا از دیدگاه روانشناسی یک الگوی شناختی - عاطفی است که از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبینش شکل گرفته است و در سرتاسر زندگی همگام با رشد بلوغ روانی فرد بارها و بارها تجدید می شود این الگو جهت گیری رفتار و احساس فرد در ارتباط با خدا را هدایت می کند، به همین خاطر ادراک از خدا مجموعه های منسجم از آخرین سطح ادراک فرد در مسائل انتزاعی و امور ماورایی است. همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد در شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از ویژگی های روانی افراد پی ببریم آنگاه ادراک فرد از خدا و تصویری که وی به آن دست پیدا کرده است بسیار مهم است (شفیع آبادی، ۲۰۱۰: ۲۹).

ادراک از خدا از نظر روان تحلیل گران

نظریه های روان تحلیلی حجم قابل توجهی از پژوهش پیرامون مفهوم خدا را تشکیل می دهند. فروید معتقد است. خداوند در ذهن کودکان به شکل پدر نمود پیدا می کند و در واقع کودکان در جریان حل عقده ادیب پیرو واقعی خویش را به پدر آسمانی شان فراقکنی می کنند (اسپلیکا و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۵). باوجود فراقکنی هایی از پدر دنیای فرد به تصویر خداوند او موافق است اما او احساس می کرد که

الگوها نیز نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر خداوند ایجاد می‌کنند گرچه مورد آزمون قرار گرفتن نظریه‌های روان تحلیل‌گرانه فروید و یونگ در مورد منشأ و تحول مفهوم خدا بسیار مشکل است اما نکته قابل توجه در این نظریات آن است که باید پیوند قطعی بین آنچه کودکان در پدر واقعی خود می‌بینند تصویری که خداوند در ذهن خود خلق می‌کنند وجود داشته باشد (اسپلیکا و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۲۸).

هول و دوناهی (۲۰۰۹) معتقدند که در آزمودنی‌هایشان گرایش محکمی وجود دارد که خداوند را به‌عنوان مظهر عشق و مهربانی (مادرانه) و نه به‌عنوان منبع قدرت و اقتدار ادراک نمایند (پدرانه) با این اوصاف به‌نظر می‌رسد مادران نقش مهمی در مفهوم خدای کودکان بخصوص دخترها ایفا می‌نمایند. یک بررسی نشان می‌دهد معلمان ممکن است در تحول مفهوم خدای کودکان نقششان مهم‌تر از والدین باشد (برک، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

فیدیا وایدما (۲۰۰۹) گزارش کردند کودکان کودکستانی که رابطه نزدیک‌تری با مربی خود داشتند خداوند را مهربان‌تر درک می‌کردند درحالی‌که روابط مادر فرزندان پیشگویی‌کننده مهمی در این پژوهش‌هایی که با هدف بررسی تأثیر خداوند انجام دادند نتیجه گرفتند، برداشت والدین از مفهوم خدا و برداشت معلمان به‌گونه‌ای متفاوت می‌تواند برداشت کودکان از مفهوم خدا را پیش‌بینی کند به این صورت که به‌نظر می‌رسد والدین بر مؤلفه‌های رابطه‌ای مفهوم خدا کودکان تأثیر چشمگیری داشته باشند (مثل خداوند دوستی مهربان است) درحالی‌که بین تصور خدای کودکان شباهت وجود دارد (فیدیا وایدما، ۲۰۰۹: ۲۵۷).

هارمز (۲۰۱۲) به سه مرحله در تحول مفهوم خداوند اشاره می‌کند. نخست: مرحله فرشته‌پنداری (۶ - ۳ سال) که کودکان در این مرحله تفاوت ناچیزی بین خداوند و فرشتگان ادراک می‌کنند. هارمز معتقد است به‌تدریج و با گسترش ظرفیت شناختی کودک تصویری که او در ذهن خود از خداوند نقاشی کرده هم‌عینی‌تر می‌شود و هم شباهت بیش‌تری با انسان‌ها پیدا می‌کند. او این مرحله را که در کودکان ۶ تا ۱۱ سال دیده می‌شود مرحله واقع‌بینی می‌نامند و معتقد است کودکان در این مرحله برای معرفی خداوند به دیگران به‌راحتی از سمبل‌های مذهبی استفاده می‌کنند. در رویکرد هارمز آخرین مرحله‌ی شکل‌گیری مفهوم خداوند در انسان مرحله فردگرایانه نامیده می‌شود که این مرحله در دانشجویان هم به چشم می‌خورد، در این مرحله دانشجویان منحصراً بر سمبل‌های مذهبی تأکید نمی‌کنند بلکه رویکردی فردی در مورد خداوند اتخاذ می‌نمایند که نتیجه آن پیدایش برداشت‌ها و ادراکات بسیار متفاوتی از مفهوم خدا در یک فرد نسبت به فرد دیگر است (حردانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

- مراحل رشد اخلاقی لارنس کبلرگ

لارنس کبلرگ^۱ بر رشد اخلاقی تأکید می‌کند و نظریه‌ای مرحله‌ای در مورد تفکر اخلاقی ارائه داد که به‌خوبی در فراسوی فرمول‌بندی‌های اولیه پیاژه در این زمینه، به‌پیش می‌رود. کبلرگ به پاسخ بله یا خیر از طرف آزمودنی علاقه‌مند نبود، بلکه به استدلال مبتنی بر جواب توجه داشت.

- شش مرحله کبلرگ

سطح اول، اخلاق پیش عرفی یا پیش قراردادی (تولد تا ده سالگی) کبلرگ به این دلیل این سطح را تفکر پیش قراردادی^۲ نامید که کودکان هنوز به‌عنوان اعضای جامعه سخن نمی‌گویند.

مرحله اول، جهت‌گیری اطاعت و تنبیه: جهت‌گزینه براساس تنبیه و اطاعت از قوانین به‌منظور اجتناب از تنبیه می‌باشد. این مرحله مشابه اولین مرحله تفکر اخلاقی پیاژه است. کودک بر این باور است که افراد صاحب قدرت، مجموعه ثابتی از قوانین را تدوین کرده‌اند که او باید بدون هیچ‌گونه سؤالی از آن اطاعت کند. در این مرحله ذهن کودک به این شکل است که تنبیه با کار نادرست همبسته است. مرحله دوم، فردگرایی و مبادله: جهت‌گزینه براساس پاداش و هم‌نوعی برای دریافت پاداش و مزایا می‌باشد. کودکان درمی‌یابند که تنها یک دیدگاه درست که به‌وسیله صاحبان قدرت تدوین شده باشد، وجود ندارد و افراد دارای دیدگاه‌های متفاوت‌اند. تنبیه صرفاً خطری محسوب می‌شود که فرد می‌خواهد از آن اجتناب کند. گاهی این مرحله فاقد حس مسئولیت اخلاقی به‌نظر می‌رسد، ولی کودکان از اعمال درست، نوعی برداشت خاص دارند. در آن‌ها اندیشه مبادله منصفانه^۳ وجود دارد که فلسفه آن‌ها حاکی از نوعی مقابله‌به‌مثل است.

مرحله سوم، ارتباطات میان فردی خوب: کودکان الگوی دختر خوب/پسر خوب را نشان می‌دهند که نوعی هم‌نوعی است تا مورد تأیید دیگران قرار گیرند. کودکان وارد سنین ۱۱ و بیشتر شده‌اند و دیگر اخلاق را یک جریان ساده تلقی نمی‌کنند. آن‌ها بر این باورند که مردم باید براساس انتظارات خانواده و جامعه زندگی کنند و رفتار «خوب» داشته باشند. رفتار خوب به معنای داشتن انگیزه‌های خوب و احساس‌های میان فردی نظیر عشق، همدردی، اعتماد و توجه به دیگران است.

مرحله چهارم، حفظ نظم اجتماعی: کودکان وابستگی به مراجع قوانین، قوانین و قواعد اجتماعی را رعایت می‌کنند تا از توبیخ مراجع قدرت و احساس گناه در مورد انجام ندادن وظایف در امان باشد. استدلال این مرحله در روابط دو نفر با اعضای خانواده یا دوستان صمیمی خود، بهترین کاربرد را دارد، زیرا از این طریق فرد می‌تواند برای آگاهی از احساس دیگران و نیازهایشان تلاش کند و برای کمک به آن‌ها بکوشد. آن‌ها به‌نحو وسیع‌تری به جامعه به‌عنوان یک کل توجه می‌کنند. اکنون تأکید بر اطاعت

1. Lawrence Kohlberg
2. Pre conventional
3. Fair exchange

از قوانین، احترام به افراد معتبر و انجام وظایف برای حفظ نظم اجتماعی است. در این مرحله افراد به کرات در مورد حق حیات سخن می‌گویند، ولی برای آنان این حق به‌وسیله مراجع گروه اجتماعی یا مذهبی‌شان مشروعیت یافته است (کرین، ۱۳۹۸: ۴۲۹).

سطح سوم، اخلاق پس عرفی یا فرا قراردادی (کسانی که به سطح تفکر به شیوه عملیات صوری رسیده باشند).

مرحله پنجم قرارداد اجتماعی و حقوق فردی: افراد از اصول پیروی می‌کنند تا از احترام همگان برخوردار باشند و از این طریق احترام به نفس خود را حفظ می‌کنند. در این مرحله مردم از خود سؤال می‌کنند که چه عواملی سازنده یک جامعه خوب است؟ آن‌ها به شیوه‌ای نظری درباره جامعه خود می‌اندیشند و از شرایط جامعه خود جدا می‌شوند و حقوق و ارزش‌هایی را که یک جامعه باید داشته باشد، مورد توجه قرار می‌دهند. سپس جوامع موجود را با در نظر گرفتن این معیارها مورد توجه قرار می‌دهند و به دیدگاهی فراجمعه‌ای می‌رسند. همه افراد در دو نکته توافق خواهند داشت: نخست اینکه همه مردم خواهان برخی حقوق اولیه نظیر آزادی و زندگی و تحت حمایت قرار گرفتن هستند و دوم اینکه همه مردم می‌خواهند برای تغییر قوانین غیرمنصفانه رشد جامعه، برخی شیوه‌های دموکراتیک به کار گرفته شود. در این مرحله برخلاف مرحله ۴، افراد در مورد عملکرد جامعه به صورتی مستقل فکر می‌کنند. در این مرحله افراد پیشنهاد می‌کنند که ما باید از حق و حقوق افراد محافظت کنیم و بحث‌هایمان را از طریق فرایند دموکراتیک دنبال کنیم. ولی فرایندهای دموکراتیک به‌تنهایی همواره به نتایجی که احساس می‌کنیم عدالت است منجر نمی‌شود، مثلاً اکثریت جامعه ممکن است به قانونی رأی دهند که مزاحم اقلیت باشد. مرحله ششم اصول جهانی یا اصول اخلاقی: افراد اعمال خود را طبق اصولی که شخصاً انتخاب کرده‌اند هدایت می‌کنند. در این اصول عدالت، سرافرازی و برابری، ارزش شناخته می‌شود. از اصول پیروی می‌کنند تا از سرزنش خویش‌نشان در امان باشد. رسیدن به این مرحله مستلزم دستیابی به تدوین اصول اخلاقی انتزاعی است که مرحله ۶ در کمتر از ۱۰٪ افراد دیده می‌شود، به همین دلیل کلبگ این مرحله را از دستورالعمل خود حذف کرد و آن را مرحله نظری^۱ نامید. افراد در این مرحله بر این باورند که عدالت مستلزم آن است که نظرهای همه احزاب و گروه‌ها را مهم تلقی کنیم و برای شأن و منزلت همه مردم به‌عنوان افراد جامعه احترام قائل شویم. اصول عدالت، جنبه‌ای جهانی دارد و شامل همه افراد می‌شود. ما به قانونی رأی نخواهیم داد که به نفع برخی و به ضرر برخی دیگر باشد. یکی از موضوعاتی که مرحله ۵ را از مرحله ۶ متمایز می‌کند، نافرمانی شهروندان است (همان: ۴۶۸).

پیشینه عملی

فیروزمهر (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی انجام داده است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای - اسنادی و تحلیل محتوایی، توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی از نگاه قرآن دو نوع‌اند: عوامل معرفتی، عوامل غیرمعرفتی. شناخت فطری فضایل و رذایل (عامل معرفتی غیراکتسابی)، توجه و تفکر (بیداری) و ایمان، عوامل معرفتی اکتسابی رشد اخلاقی هستند و وراثت، تغذیه، عوامل محیطی، مبادی غیبی، اراده و اختیار و عمل صالح عوامل غیرمعرفتی رشد اخلاقی‌اند. نقش اراده در رفتارهای اخلاقی در مراحل شکل‌گیری رفتار آگاهانه، یعنی هنگامه توجه، ادراک، احساسات و انگیزش ظهور می‌کند و می‌تواند با محدود کردن و کنترل نمودن تأثیر عوامل زیستی و محیطی به‌طور فعال وارد عمل شود. فقیهی و عسگری (۱۳۹۳) تأثیر زیارت مشاهد اهل بیت بر رشد اخلاقی انجام داده‌اند. رشد اخلاقی همان کمال روحی و آراستگی به فضایل اخلاقی است که در فرایند «تربیت اخلاقی» با پاک‌سازی و تضعیف موانع و همچنین با ایجاد و تقویت عوامل در هریک از ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی حاصل می‌شود. در تربیت اخلاقی، مربی نیازمند روش‌هایی است تا رشد اخلاقی را در ساحت‌های سه‌گانه تحقق بخشد، زیارت یکی از روش‌های تربیت اخلاقی است که با رفع و یا تضعیف موانعی مانند شک و تردید، دنیاگرایی و آثار ذنوب و همچنین با ایجاد و تقویت عواملی مانند معرفت، امید، یاد خدا و ایمان موجب بالندگی در هریک از ساحت‌های بینشی، گرایشی و توانشی و سرانجام رشد اخلاقی مربی می‌شود. گفتنی است که این پژوهش به روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. خزاعی و رامادان (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان رشد اخلاقی، اصول و روش‌های آن از نظر افلاطون انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها گویای آن بود که رشد اخلاقی را حاصل رشد همه‌جانبه ابعاد وجودی انسان تلقی می‌کند. وی با توجه به محوریت فضایل در نظریه‌اش، می‌کوشد با استفاده از روش‌های مبتنی بر تلقین، عادت، تقلید از الگوها و نقل حکایات پندآموز در مراحل نازل تربیتی، منش فردی را ارتقا دهد و در مراحل عالی‌تر به رشد قدرت تفکر و بصیرت از طریق آموزش ریاضیات و دیالکتیک بپردازد، به‌گونه‌ای که فرد قادر به تشخیص درست و نادرست و عمل به آن باشد. این مقاله درصدد است ماهیت رشد اخلاقی را از نظر افلاطون براساس نظریه اخلاقی و معرفتی‌اش بررسی کند و سپس به تبیین مهم‌ترین اصول، مبانی فلسفی، عوامل و روش‌های مهم تربیتی وی بپردازد. عزیزیحایا (۲۰۱۰) در پژوهشی در دانشگاه تکنولوژی مالزی با عنوان تئوری رشد اخلاقی به این نتیجه دست یافت که همان‌طور که اریک اریکسون در تئوری رشد احساسی خود بیان کرده، انسان در طول حیات خود ۶ مرحله را پشت سر می‌گذارد که هرکدام یک بحران در خود دارند و با تصمیماتی که در رویارویی با آن‌ها گرفته می‌شود منجر به رشد بیشتر و یافتن راه‌حل برای بحران‌های آینده می‌شود.

فرضیات

- بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر رابطه معناداری وجود دارد؛
- بین ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؛
- بین رشد اخلاقی دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر در سال تحصیلی ۱۳۹۷ - ۱۳۹۶ که شامل ۴۳۷ دانشجوی پسر و ۲۱۸ دانشجوی دختر بوده است که حجم نمونه براساس جدول مورگان از بین جامعه آماری ۶۵۵ نفره تعداد ۲۴۲ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری در بخش داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بوده است که به صورت میدانی از میان دانشجویان جمع‌آوری گردیده است و همچنین در بخش اطلاعات استفاده از منابع اسنادی بوده است. برای سنجش متغیرها از پرسشنامه‌های قضاوت اخلاقی و پرسشنامه ادراک از خدا لارونس استفاده شده است.

ارائه یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول ۱: توزیع نمونه مورد مطالعه برحسب سن

متغیر سن	فراوانی	درصد
زیر ۲۰ سال	۷	۲/۹
۲۱ تا ۲۵ سال	۷۰	۲۸/۹
۲۶ تا ۳۰ سال	۱۱۱	۴۵/۹
۳۱ تا ۳۵	۴۵	۱۸/۶
بیشتر از ۳۵ سال	۹	۳/۷
جمع کل	۲۴۲	۱۰۰

جدول ۱ سن پاسخگویان را نشان می‌دهد، سن اکثر پاسخگویان ۲۵ تا ۳۰ سال (۴۵/۹ درصد) و کمترین آنان ۲۰ سال (۲/۹ درصد) بوده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
فوق دیپلم	۱۱۲	۴۶/۳
لیسانس	۱۳۰	۵۳/۷
کل	۲۴۲	۱۰۰

باتوجه به جدول ۲ که سطح تحصیلات پاسخگویان را نشان می‌دهد، اکثریت پاسخگویان با ۵۳/۷ درصد لیسانس و کمترین آنان با ۴۶/۳ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم می‌باشند.

آمار استنباطی

در این قسمت با استفاده از داده‌های منتج از پرسشنامه به تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق و درستی و نادرستی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

آزمون فرضیات

فرض شماره یک: بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر رابطه معناداری وجود دارد؛

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی در دانشجویان

دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی داری (sig)
رشد اخلاقی	۰/۷۲۷	۰/۰۰۰

باتوجه به نتایج جدول ۳، ضریب همبستگی بین رشد اخلاقی و ادراک از خدا در دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر $r=0/727$ می‌باشد و سطح معنی داری آن برابر $0/000$ می‌باشد؛ یعنی با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، در نتیجه فرض H_0 صفر رد و H_1 یک تأیید می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت بین رشد اخلاقی و ادراک از خدا در دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

فرض شماره دوم: بین ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؛

H_0 صفر: ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد یکسان است.

H_1 یک: ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد متفاوت است.

جدول ۴: مقایسه میانگین ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد شهرستان

دره شهر

مقیاس	گروه‌ها	میانگین	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معنی داری (sig)
ادراک از خدا	مرد	۱۶۹/۸۲	-۵۱/۰۴	-۵/۸۳۵	۲۴۰	۰/۰۰۰
	زن	۲۲۰/۸۷				

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که این آزمون برای بررسی تفاوت میانگین ادراک از خدا در دو گروه دانشجویان زن و مرد که دو گروه مستقل هستند انجام گرفته است، همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین ادراک از خدا در دانشجویان مرد و زن متفاوت است. چون مقدار آن خارج از بازه (۱/۹۶، -۱/۹۶) است در نتیجه فرض H صفر رد و فرض H یک تأیید می‌شود و میانگین ادراک از خدا در دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد است.

فرض شماره سوم: بین رشد اخلاقی دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؛

H صفر: رشد اخلاقی در دانشجویان زن و مرد یکسان است.

H یک: رشد اخلاقی در دانشجویان زن و مرد متفاوت است.

جدول ۵: مقایسه میانگین رشد اخلاقی در دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد شهرستان

دره شهر

مقیاس	گروه‌ها	میانگین	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معنی داری (sig)
رشد اخلاقی	مرد	۳۵/۴۴	-۲/۷۶۸	-۲/۷۱۳	۲۴۰	۰/۰۰۷
	زن	۳۸/۲۲				

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که این آزمون برای بررسی تفاوت میانگین رشد اخلاقی در دو گروه دانشجویان زن و مرد که دو گروه مستقل هستند انجام گرفته است، همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین رشد اخلاقی در دانشجویان مرد و زن متفاوت است و چون خارج از بازه (۳۸/۲۲، ۳۵/۴۴) است در نتیجه فرض H صفر رد و فرض H یک تأیید می‌شود و میانگین رشد اخلاقی در دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است.

فرض شماره یک: بین ادراک از خدا و رشد اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر رابطه معناداری وجود دارد؛

باتوجه به نتایج جدول (۳) ضریب همبستگی بین رشد اخلاقی و ادراک از خدا در دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر برابر $r=0.727$ می‌باشد که با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، در نتیجه فرض H صفر رد و فرض H یک تأیید می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت بین رشد اخلاقی و ادراک از خدا در دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان دره شهر رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.

فرض شماره دوم: بین ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؛

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که آزمون برای بررسی تفاوت میانگین ادراک از خدا در دو گروه دانشجویان زن و مرد که دو گروه مستقل هستند انجام گرفته است، همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین ادراک از خدا در دانشجویان زن و مرد متفاوت است. در نتیجه فرض H صفر رد و فرض H یک تأیید می‌شود؛ و میانگین ادراک از خدا در دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد است.

فرض شماره سوم: بین رشد اخلاقی دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد؛

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که آزمون برای بررسی تفاوت میانگین رشد اخلاقی در دو گروه دانشجویان زن و مرد که دو گروه مستقل هستند انجام گرفته است، همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین رشد اخلاقی در دانشجویان زن و مرد متفاوت است. در نتیجه فرض H صفر رد و فرض H یک تأیید می‌شود؛ و رشد اخلاقی در دانشجویان زن بیشتر از دانشجویان مرد است.

منابع

- برک، لورا ای. (۱۳۸۳)، روانشناسی رشد، جلد دوم، چاپ دوم، مترجم یحیی سید محمودی، تهران: ارسباران.
- حردانی، زینب. مامولزاده، مریم. و موسوی حویزه، مریم. (۱۳۸۲)، بررسی رابطه میان رضد قضاوت اخلاقی و هویت‌یابی در نوجوانان دختر مدارس مقطع متوسطه و شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اهواز.
- خزاعی، زهرا. و رامادان، نسرين. (۱۳۹۲)، رشد اخلاقی، اصول و روش‌های آن از نظر افلاطون، مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۵۵ و ۵۶ علمی - پژوهشی.
- زیلیو، جیمز. و زندن، وندر. (۱۳۸۳)، روانشناسی رشد، مترجم: حمزه گنجی، تهران انتشارات بعث.
- فقیه‌ی، سید احمد. و عسکری، ابوالفضل. (۱۳۹۳)، تأثیر زیارت مشاهد اهل بیت بر رشد اخلاقی، مجله معرفت اخلاقی، شماره ۱۶.
- فیروزبخت، مژگان. ریاحی، محمد اسماعیل. و تیرگر، آرام. (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی و سلامت روان در زنان، مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دوره ۴، شماره ۳.
- فیروزمهر، محمدمهدی. (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی با نگاهی قرآنی، مجله مطالعات علوم قرآن، شماره ۴.
- کرین، ویلیام کریستوفر. (۱۳۹۸)، نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها، مترجمان: علیرضا رجایی و غلامرضا خوی‌نژاد. نشر رشد.
- لی، مای. (۱۳۶۹)، ساخت، پذیرایی و تحول شخصیت، مترجم: محمود منصور، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- Asai, M., et al, (2007). Burnout and psychiatric morbidity among physicians engaged in end-of-life care for cancer patients: A cross-sectional nationwide survey in Japan, *Psycho-Oncology*, 0222. 06: p. 900-908
- Dobash R.E, Dobash, R. P, (1978). Violence against wives. Newyork: free press.
- E, S., M. R, and S.n. KH, (2009). Survey about sleep disorders prevalence among nurses in Imam Khomeini hospital-Tehran and effective factors on it. *Urmia univ Medl Sci* 022-09
- Monk,T. and S. Folkard, Making Shift work Tolerable. London: Taylor and Francis 0200:p. 8-09.
- Shafiabadi, A. and S.K. Asadi, (2010). Relationship between Job Satisfaction and Mental Health of the University Staff. *Modern Industrial & organization Psychology*,: p. 02-22.